

## صلوات، احکام و آثار آن

- دکتر سیدرضا موسوی
- استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

درود و صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ و خاندان پاکش از جمله مراسم عبادی است که با شکوه خاصی در میان مسلمانان به ویژه شیعیان اجرا می‌شود. با اینکه پیشینه این عمل عبادی به صدر اسلام و خود پیامبر ﷺ باز می‌گردد، متأسفانه امروزه اختلافات و شبهاتی پیرامون احکام فقهی و مشروعیت صلوات بر خاندان نبی ﷺ در تشهد نماز، خطبه‌های نماز جمعه و غیره در مذاهب اسلامی مطرح است. هدف اصلی مقاله، تهیه پاسخی استدلالی با تکیه بر روایات فریقین، به شبهات مزبور و اثبات مشروعیت و افضل قریبات بودن صلوات بر معصومین صلوات الله علیهم اجمعین می‌باشد.

واژگان کلیدی: مشروعیت، صلوات، آل، تشهد، نماز جمعه و میت.

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب/ ۵۶) همانا خداوند و فرشتگانش پیوسته بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند، هان ای مؤمنان بر آن حضرت درود فرستید و در برابر فرمانهایش تسلیم باشید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. معنای لغوی صلوات

صلوات جمع صلوات واژه عربی و در اصل به معنای دعا و نیایش و هم خانواده با مصلی و مصلات (دام پرندگان) و تصلیه (صلوات فرستادن) که در معانی نماز، درود آسمانی فرستادن و درخواست خیر و رحمت از خدا در فرهنگ تازی استعمال شده است. در مشترک معنوی یا لفظی بودن آن اختلاف نظر وجود دارد که به عقیده برخی محققان مشترک معنوی و در اصل به معنای عطف و توجه بوده و در اشتقاق کلمه صلوات که جمع صلوات است نیز اختلاف نظر وجود دارد که جمع بین آن اقوال نیز با اندک تسامحی به حکم قاعده معروف «الجمع مهما ممکن اولى من الطرح» امکان پذیر است؛ زیرا زبان شناسان ریشه آن را صلا (فراخوانی) یا صله (پیوند) یا صلو (استخوان کفلها) یا صلی (سوختن در آتش) می دانند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴/۴۶۵ و ۴۶۶). صاحب نظران در توجیه این اختلاف نظر می گویند: چون مصلی با صلوات و صلوات خود خدا را فرا می خواند و با نماز و نیایش واقعی خویش، از خلق منفصل و به خالق متصل و با برقراری ارتباط با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و التفات به سنت نبوی و توسل به واسطه فیض الهی از رحمت و فضل پروردگار برخوردار می گردد و چون در حال رکوع و سجود صلواتین نمازگزاران به حرکت در می آید که نشان از خضوع و خشوع در برابر معبود حقیقی است که مصلی (صلوات فرستنده) در اظهار خضوع و فروتنی شبیه نمازگزاران است، به این نام خوانده شده است.

گواينکه مصلی با نماز کامل خود و درود مخلصانه خویش نسبت به محبوب خدا و اولیا و صالحان در آتش عشق معبود و معشوق خویش می سوزد و از بوتۀ آزمون بیرون آمده و به بارگاه قبول راه می یابد (حسینی، ۱۹۸۲: ۱۰۴/۳-۱۰۸). برخی گفته اند صلوات از تصلیه به معنای متابعت مشتق شده است و آیه «فلا صدق و لا صلی» (قیامت/ ۳۱) را بر این معنا حمل نموده اند و به همین معنا در مسابقه سوار کاری نخستین اسب برنده را سابق و دوم را «مصلی» می گویند و به مناسبت اینکه نماز گزار تابع شارع و نبی است و درود فرستنده، تابع و پیرو خدا و فرشتگان در ذکر صلواتند که در آیه صلوات به آن امر شده است، آنجا که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ

على النبيّ يا أيّها الذين آمنوا صلّوا عليه» که مصداق واقعی آن با توجه به شأن مصلی و جایگاه کسی که صلوات می فرستد تفاوت پیدا می کند (حسینی اردکانی، ۱۳۶۵: ۴۲).

بدیهی است که معنی دعا و درخواست خیر از خداوند به وسیله خود او درست نیست و مراد از این دستور تعظیم و تمجید و ستایش پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. در قرآن کریم کلمه صلوات یک بار به معنای کنشتها و جای نیایش یهودیان به کار رفته است که جمع صلوه (ساختمان بلند) می باشد: «لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد» (حج/ ۴۰)؛ اگر پروردگار رخصت جهاد نمی داد همانا صومعه ها و دیرها و کنشتها و مسجدها ویران می شدند.

یک بار به معنای نمازهای پنج گانه شبانه روزی مسلمانان: «حافظوا على الصلوات و الصلاة الوسطی» (بقره/ ۲۳۸)؛ نمازها به ویژه نماز میانی را به پا دارید. و در دو آیه نیز به معنای رحمت و ثنا و درود گفتن به کار رفته است: «أولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة» (بقره/ ۱۵۷)؛ درود و رحمت خاص خدا برای شکیبایان می باشد، «و یتخذ ما ینفق قربات عندالله و صلوات الرسول» (توبه/ ۹۹)؛ برخی انفاق را وسیله نزدیکی به خدا و دعا و ستایش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برمی گزینند.

## ۲. مفهوم اصطلاحی صلوات

صلوات همانند تسمیه، تحمید و تهلیل، یکی از رایج ترین ذکرهای مرسوم میان مسلمانان است و در اصطلاح شرع دعای ویژه ای است که مسلمانان، به ویژه شیعیان، به نام و یاد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان اطهرش بر زبان می آورند و با اخلاص و توجه، ترفیع مقام آنان را در دنیا و آخرت از خداوند منان می خواهند.

بنابراین صلوات فرستادن از ناحیه پروردگار به معنای ترحم و اظهار مهر و عطف و از سوی فرشتگان، استغفار و تزکیه و ستایش و از زبان مؤمنان، به معنای دعا و درخواست اکرام و اعظام مقام اولیای خدا در جوار کبریاست. چنان که در تفاسیر معتبر آمده است: «صلوات الله علیه، رحمت و تزکیه له و ثناء علیه و صلاة الملائكة، تزکیه منهم له و صلاة الناس دعاء لهم له و الإقرار بفضله» (قمی، ۱۳۸۷: ۱۹۶/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷/۱۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۳۲/۱۴).

شیخ صدوق در معانی الاخبار از امام صادق علیه السلام نیز روایت نموده که حضرت در پاسخ یکی از یاران فرمود: «الصلاة من الله عزّ وجلّ رحمة و من الملائكة تزكية و من الناس دعاء» (شیخ صدوق، ۱۳۷۹: ۳۶۸)؛ صلوات از خدای برتر و باشکوه، رحمت و از فرشتگان، ستایش و از عامه مردم، نیایش است. از این رو می توان نتیجه گرفت که واژه صلاة در فرهنگ اسلامی در دو معنای نماز و نیایش و درود و ستایش و رحمت و آموزش به کار رفته است.

### ۳. مشروعیت صلوات در مکاتب فقهی

صلوات و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و درخواست اعلائی مرتبه آن حضرت در پیشگاه خداوند متعال در دنیا و آخرت، به حکم آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ...» امری مشروع و به اتفاق آرای امت پیامبر از افضل عبادات است و برخی چون مالک، کرخی و تهانوی به دلیل تحقق خارجی امر با امثال مره واحده و عدم اقتضای تکرار آن، دست کم یک بار در طول عمر صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر مسلمانان واجب شرعی و عقلی دانسته اند. چنان که عبدالحق دهلوی در کتاب مدارج النبوه بر این فتوا تصریح نموده و جمهور عالمان مسلمان بر عدم وجوب دائمی صلوات بر پیامبر همانند عدم وجوب حمد و ثنای الهی به هنگام ذکر نام خدا و لزوم تکرار صلوات بر مؤذن، مقرر به شهادتین، قاری نامه های پیامبر در قرآن و شنونده اذان و اقامه نماز و مانند آن، همچنین به سیره عملی صحابه و علمای سلف بر عدم وجوب و اکتثار و تکرار صلوات استناد کرده است (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۰۸۱/۲).

به اجماع امامیان صلوات در تشهد های نماز های یومیه و خطبه های نماز جمعه و عیدین و دعا های نماز میت واجب عینی است، ولی شافعیان و حنبلیان و نیز ابن عمر و ابن مسعود، در تشهد آخر نماز های یومیه و خطبه های نماز جمعه، صلوات فرستادن بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را واجب و ترک آن را در نماز موجب بطلان آن می دانند، چنان که در حدیث نبوی آمده: «لا تقبل صلاة إلا بطهور و بالصلاة علی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۸/۸۲)؛ هیچ نمازی جز با طهارت و صلوات بر من پذیرفته نمی شود. نیز ابوبصیر از

امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: «من صلّى و لم یصلّ علی النبیّ و ترکہ عمداً فلا صلاة له» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۳: ۳۸/۲)؛ هر کس نماز گزارد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات نفرستد و عمداً آن را ترک نماید، نماز او پذیرفته نیست. اما حنفیان و مالکیان آن را در نماز، سنت می دانند و شافعی نیز صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل محمد را در تشهد اول نمازها مستحب و در تشهد دوم واجب می شمارد. برخی، ادای صلوات و سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در تشهد پایانی نماز های یومیه در بین فقیهان معاصر امت اسلامی اتفافی می داند و می افزاید: «و قد أجمع المتقدّمون و المتأخرون علی عدم وجوب ذلك» (رک: شوکانی، ۱۹۷۳: ۳۲۰/۲ و ۳۲۱) ادعای عدم وجوب در گذشته درست به نظر نمی آید؛ زیرا قول به وجوب صلوات در تشهد به جمعی از صحابه و اهل بیت علیهم السلام و فقیهان سلف نسبت داده شده است که عمر، عبدالله بن عمر، ابن مسعود، شعبی، شافعی و احمد حنبل در یکی از دو فتوایش از جمله آنان می باشند (نووی، بی تا: ۴۶۷/۳).

گرچه برخی چون زمخشری، طحاوی، شیخ صدوق و فاضل مقداد در غیر نماز به هنگام شنیدن یا نوشتن و گفتن نامها و القاب مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات را واجب دانسته اند، مشهور فقیهان مسلمان به هنگام نام بردن آن حضرت به پاس قدردانی از خدمات آن حضرت و حفظ حرمت و قداست نام مبارک ایشان و بهره مندی از پاداش اخروی و شفاعت، صلوات فرستادن بر خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم، این ذکر بافضلیت را مستحب مؤکد می دانند و هیچ کس به خود اجازه نمی دهد در این مورد کوتاهی نماید تا مستحق محرومیت از راه یابی به بهشت شود و از رحمت خدا دور ماند. چنانکه در حدیث نبوی آمده: «من ذکرْتُ عنده فلم یصلّ علیّ فدخل النار فأبعده الله» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۹۹۹/۴).

طبرانی در المعجم آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... و من ذکرْتُ عنده فلم یصلّ علیّ فقد شقی» (طبرانی، ۱۴۱۵: ۱۶۲/۴)؛ بدبخت باد کسی که نامم در نزد او برده شود و بر من درود نفرستد. افزون بر اطلاق امر «صلّوا» در آیه صلوات، این وعید و تهدیدها که در روایات فریقین آمده، اگر با قرائنی دال بر وجوب صلوات به هنگام ذکر نام آن حضرت در هر حال، حتی نماز خواندن، نباشد، دست کم بر سنت یا استحباب مؤکد بودن آن بر

مؤمنان دلالت خواهد نمود (طباطبایی، ۱۴۲۴: ۶۱۹/۲؛ تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۰۸۲/۲-۱۰۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۱۲۴).

### ۴. کمیت و کیفیت صلوات

از آنجا که در آیه صلوات و روایات، فراوان از فضیلت درود فرستادن مؤمنان به تبعیت از خدا و فرشتگان، سخن به میان آمده است، به اتفاق آرای دانشمندان اسلامی، مداومت به ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ، در همه ایام زندگی کاری مثبت و سازنده است و تکرار صلوات به عنوان بهترین دعا و ذکر و مراسم عبادی فردی، امری نیکو می باشد و بدون هیچ گونه محدودیت زمانی و مکانی، اصل بر زیادی و فراوانی است؛ چنانکه در حدیث نبوی آمده: «أولى الناس بي يوم القيامة أكثرهم عليّ صلاة في دار الدنيا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۹۴؛ سبزواری، بی تا: ۶۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۵: ۱/ح ۲۱۴۵)؛ سزاوارترین مردم نسبت به من در روز رستاخیز کسانی هستند که در دنیا بیشتر بر من صلوات فرستادند.

از نظر کیفیت و چگونگی ذکر صلوات، با مراجعه به ادعیه مأثور و روایات فریقین، معلوم می شود که اجرای این عمل عبادی امری ثابت نبوده و از تنوع و گوناگونی برخوردار بوده و به اصطلاح امر توقیفی نیست، بلکه با توجه به آموزه های روایی، مُصلّی (درودفرستنده) اختیار دارد این تکلیف دینی خود را با رساترین عبارات عربی، همراه با طهارت ظاهری و باطنی و اخلاص در نیت و اظهار محبت به اهل بیت ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ و توجه به معانی عالیه و آموزنده صلوات جامه عمل ببوشاند. امیر مؤمنان ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ در خطبه ۷۲ نهج البلاغه، خطاب به خداوند مهربان فرمود: «اجعل شرائف صلواتك و نواмі بر كاتك علی محمد عبدك و رسولك الخاتم لما سبق...» (صبحی صالح، ۱۴۰۷: ۱۰۱)؛ بارالها با ارزش ترین درودها و فزاینده ترین برکات خود را بر محمد ﷺ بنده و پیامبرت قرار ده که پایان بخش نبوت گذشتگان است... در ذیل به نمونه هایی از آنها از زبان معصومین ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ اشاره می شود:

۱- کوتاه ترین صلوات جمله «صلی الله علیه و آله» است که در لسان ائمه ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ در احادیث، از جمله نهج البلاغه امام علی ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ فرآوان آمده است.

۲- مشهورترین ذکر صلوات: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» است که برخی از برادران ناآگاه اهل سنت با افزودن کلمه «علی» پیش از آل محمد ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ میان نام محمد ﷺ و خاندانش فاصله می اندازند که به عقیده بزرگان امامیه چون شیخ بهایی و علامه مجلسی، اولی و احوط ترک این فاصله است؛ زیرا از نظر بلاغی، ترک آن پس از او عطف، جایز بوده و در ادعیه مأثوره معصومین جز در موارد شاذ و نادر کلمه «علی» نیامده است (مجلسی، ۱۴۰۷: ۱۴۱۲).

چنانکه در «صحیفه سجادیه» امام سجاد ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ در دعاهای شماره ۵، ۱۳، ۲۰، ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۴۵، ۴۷ و ۴۸ بدون «علی» تکرار شده است و این نوع درود فرستادن به صلوات صغیره (کوتاه) نامبردار است و در جامع الاخبار نیز همین ذکر صلوات بدون «علی» از حضرت ختمی مرتبت روایت شده است (سبزواری، بی تا: ۶۰).

۳- صلوات مقرون به دعای فرج برای امام زمان ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ که امام صادق ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ فرمود: اگر نماز گزار در تعقیب نماز بامداد و نیم روز بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه» قائم آل محمد ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ را درمی یابد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷/۸۶ و ۳۶۳/۸۹؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۳۶۴).

۴- صلوات کبیره نمونه های فراوانی دارد، از جمله در منابع فریقین روایت شده است که پس از نزول آیه صلوات، کعب بن عُجره یا ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ پرسید: ما می دانیم که به شما چگونه سلام دهیم، پس چگونه بر شما درود فرستیم؟ حضرت در پاسخ فرمود بگویند: «اللهم صلّ علی محمد و [علی] آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم إِنَّك حمید مجید و بارك علی محمد و [علی] آل محمد كما بارك علی ابراهیم و آل ابراهیم إِنَّك حمید و مجید» (سیوری، ۱۳۸۴: ۱۳۴/۱؛ شیخ صدوق، ۱۹۸۵: ۲۳۱/۱؛ بخاری، بی تا: ۹۶/۸؛ قزوینی، ۱۹۵۴: ۲۹۳/۲؛ ح ۹۰۴ و ۹۰۶؛ ابن کثیر، ۱۳۸۹: ۵۰۷/۳؛ سیوطی، بی تا: ۲۱۵/۵).

جالب توجه این است که نظیر همین صلوات در قرب الاسناد (حمیری، ۱۴۱۳: ۲۰/۱) با اندکی تغییر از امام صادق ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ و نیز از امام رضا ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ در مجلس مناظره یا بحث آزاد مأمون با جمع مخالفان، روایت شده که مورد تأیید حاضران قرار گرفت. امروزه اکثر اهل سنت این گونه بر پیامبر ﺍﻟﻤﺎﺳﻮﻣﯿﻦ درود می فرستند.

شگفت اینکه در منابع عامه، این حدیث را از رویان دیگر نظیر ابوظلمه، ابومسعود انصاری، بریده خزائی و ابن مسعود نیز روایت کرده‌اند که در بیشتر آنها کلمه «علی» بر آل محمد علیهم‌السلام افزوده شده و در برخی «آل محمد» حذف و در بعضی روایات «آل ابراهیم» حذف گردیده است که این شیوه برخورد، حاکی از بی‌دقتی و یا تعصب و عناد رویان اهل سنت است و حتی برخی به جای آل محمد علیهم‌السلام و «علی أزواجه و ذرّيته» را درج کرده‌اند (قزوینی، ۱۹۵۴: ۲۹۳/۱، ح ۹۰۵).

جالب‌تر اینکه بخاری در صحیح خود چند روایت را با ذکر آل محمد در صلوات بر آن حضرت یادآوری می‌نماید و در عنوان باب یادشده «کیفیه الصلاة علی النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله» را انتخاب و از ذکر «و آله» صرف‌نظر می‌نماید.

۵- صلوات همراه با استماع یا تلاوت آیه صلوات؛ شیخ صدوق در کتاب خصال در ضمن آموزه‌های چهارصدگانه امام علی علیه‌السلام در رابطه با ساماندهی دین و دنیای مردم مسلمان آورده است که آن حضرت فرمود: «صلّوا علی محمد و آل محمد فإنّ الله تعالی یقبل دعاء کم عند ذکر محمد و دعاء کم و حفظکم ایّاه» و إذا قرأتم: «إنّ الله و ملائکته یصلّون علی النبی...» فصلّوا علیه فی الصلاة کنتم أو فی غیرها» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ۶۲۹؛ تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۰۸۴/۲)؛ بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندانش درود فرستید؛ زیرا خداوند برتر به خاطر یاد حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و دعایتان برای او و حفظ احترام آن حضرت درخواستتان را می‌پذیرد و هرگاه آیه صلوات را قرائت کردید پس به آن حضرت درود فرستید چه در نماز باشید و یا در غیر نماز.

۶- صلوات همراه با نام انبیای سلف، هرگاه نام پیامبری از پیامبران آسمانی گذشته برده شود، باید نخست صلوات بر محمد و آلش فرستاده شود و سپس به آن پیامبر بزرگوار با صلوات و سلام، ادای احترام شود. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام رسیده: «إذا ذکر أحد الأنبياء فابدأ بالصلاة علی محمد و آله ثمّ علیہ صلی الله علی محمد و آله و علی جمیع الأنبياء» (حرّ عاملی، بی‌تا: ۲۰۸/۷، باب ۴۳).

در روایتی دیگر آمده که یکی از یاران امام صادق علیه‌السلام در محضر حضرتش گفت: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم»، حضرت فرمود: نه، چنین مگو، بلکه بگو: «کأفضل ما صلّیت و بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم

إنّک حمید مجید» (حمیری، ۱۴۱۳: ۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹/۹۴؛ حر عاملی، بی‌تا: ۱۲۱۴/۴، ح ۴). یادآوری می‌گردد که در فقه اهل بیت علیهم‌السلام صلوات بر خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به تبع درود بر آن حضرت، در واقع احترام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده که در مواقع وجوب، واجب و به هنگام ذکر نام آن حضرت، مستحب مؤکد است و کیفیت اجرای آن در اختیار فرستنده صلوات می‌باشد.

### ۵. مشروعیت صلوات بر آل محمد علیهم‌السلام

در میان عالمان عامه و خاصه در اختصاص داشتن صلوات به پیامبران مرسل یا عمومی یا مجاز بودن درود فرستادن بر دیگران، اختلاف نظر شدید وجود دارد. برخی از عالمان اهل سنت صلوات و درود فرستادن بر غیر پیامبران معصوم را به کلی روا نمی‌دانند، مگر به تبع صلوات بر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ چون به نظر آنان صلوات نشانه تعظیم و توقیر انبیا و مختص به آنهاست؛ همان‌گونه که تسبیح و تقدیس مخصوص حق تعالی است. افزون بر این، در عرف نیز برای حفظ مراتب تکریم برای ملوک، امرا، قضات و علما، دعاهایی متناسب با شأن هر یک نظیر «خلّد الله ملکه و سلطانه و آیده الله و دام ظلّه» در پی نام آنان اضافه می‌کنند.

گرچه برخی صلوات بر مؤمنان و صالحان را ترک اولی و مکروه دانسته‌اند، عارفان دینی و محققان شیعه و اهل سنت به اتفاق آرا، صلوات فرستادن بر آل و بستگان صالح و شایسته حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را همراه با درود به آن حضرت به تبعیت، جایز می‌دانند. چنانکه تهانوی می‌نویسد: «اعلم أنّ معنی قولنا صلّ علی محمد عظمّه فی الدنيا یا علاء ذکره و إبقاء شریعته و فی الآخرة بتضعیف أجره و تشفیعه فی أمته كما قال ابن الاثیر و لذا لا يجوز أن یطلق بالنسبة إلى غیره إلا تبعاً» (۱۹۹۶: ۱۰۸۱/۲).

اکثریت اهل سنت صلوات فرستادن بر هر یک از اهل بیت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به صورت منفرد و مستقل همانند دیگر پیامبران، مکروه می‌دانند و دلیل ایشان بر این رأی افزون بر قیاس، مخالفت با شعار و نشان ویژه شیعه بودن صلوات بر آل و رفع اتهام رافضی بودن است (زمخشری، بی‌تا: ۵۵۸/۳). ولی برخی از آنان نظیر ابن جریر طبری، حسن بصری، مقاتل بن سلیمان و مقاتل بن حیان، اسحاق بن راهویه و فضل

ابن روزبهان درود فرستادن بر آل را به تنهایی نیز مشروع، ولی مکروه دانسته‌اند. ابن روزبهان متوفای ۹۲۷ ق می‌نویسد: «دو طایفه دیگر از علما بر آن رفته‌اند که صلوات، به اصالت مخصوص انبیاست و اکابر آل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که به عصمت منسوبند و ائمه کرام و صاحب فضائل عظامند، چنانچه بر حضرت فاطمه علیها السلام و هر یک از دوازده امام به اصالت، صلوات توان فرستاد و این قول قوی مختار است و دلیل آن که به اتفاق، صلوات بر آل، به تبعیت می‌توان فرستاد، پس مطلق صلوات به اتفاق بر ایشان جایز باشد... در جواب [مانعان] می‌گوییم، انتساب ایشان به بیت نبوت و رسالت چنان کامل است که می‌توانند داخل در تعظیم صلوات باشند، چنانچه فرزندان نجیب پادشاه را توان که بگویند «خلد الله ملکه» و در محاورات آن را ترک ادب نمی‌گویند.

پس آن محذور ترک حفظ مراتب بر طرف باشد و بنده به ثواب تبلیغ کمال رحمت که موجب نزول ده رحمت است در عوض آن فایز گردد و ما در بسیار مواقع می‌بینیم که اهل البیت علیهم السلام به خصوص اولاد فاطمه علیها السلام به اموری مخصوص‌اند که حضرت پیامبر بدان مخصوص است، مثل حرام بودن صدقه و ذکر ایشان در نماز؛ چرا نشاید که در اصالت صلوات از سایر صلحای امت مخصوص و ممتاز باشند؟ و اگر مؤمن منصف، نیکو تأمل نماید، همانا این قول را راجح داند و ترک فضیلت صلوات بر آن ارواح مقدسه ننماید. و الله اعلم» (خنجی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۶۳ و ۶۴).

## ۶. دلایل استحباب صلوات بر خاندان عصمت

عالمان امامیه رضوان الله علیهم، صلوات و درود فرستادن بر انبیا و مؤمنان صالح را به کلی جایز می‌دانند، چه به طور مستقل و چه به تبعیت و طفیل نام حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله، و به اجماع، صلوات فرستادن بر آل پیامبر صلی الله علیه و آله را در هر حال مستحب مؤکد می‌شمارند و بر مشروعیت آن به دلایل زیر استناد جسته‌اند:

### الف آیات

۱- «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور» (احزاب/ ۴۳)؛ اوست خدایی که بر شما درود و رحمت می‌فرستد و نیز فرشتگان او، تا شما را از

تاریکیها به جهان روشنایی آورد. این آیه چون خطاب به مؤمنان است، نص است بر مشروعیت صلوات بر اهل بیت علیهم السلام که مصادیق کامل مؤمن می‌باشند.

۲- «صل علیهم إن صلاتک سکن لهم و الله سمیع علیم» (توبه/ ۱۰۳)؛ ای پیامبر! به پرداخت کنندگان زکات درود و رحمت فرست که مایه آرامش آنان است. معلوم است همان‌گونه که گرفتن زکات اختصاص به آن حضرت ندارد، استحباب صلوات و دعا برای آنان نیز عام است و شامل عموم مؤمنان می‌شود.

۳- «الذین إذا أصابتهم مصیبة قالوا إنا لله و إنا الیه راجعون، أولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و أولئک هم المهتدون» (بقره/ ۱۵۶ و ۱۵۷)؛ آنان که به مصیبت سخت گرفتار شوند، گویند ما از آن خداییم و به سوی او بازگشت می‌نماییم. درود و رحمت خدا ویژه این گروه صابران است و هم آنان راه‌یافتگان می‌باشند. تردیدی نیست که اهل بیت علیهم السلام مصیبت‌های سنگین را متحمل شدند که از جمله آنها غصب مقام امامت و مظلومیت آنان است.

ب) سنت نبوی: به نقل شیعه و اهل سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر مؤمنان پرداخت کننده زکات صلوات می‌فرستاد. از جمله به هنگام دریافت زکات مال به ابواوفی فرمود: «اللهم صل علی ابي أوفی و آل ابي أوفی» (ابن کثیر، ۱۳۸۹: ۴۰/۲؛ بخاری، بی‌تا: ۱۳۹/۸؛ قشیری، ۱۴۰۷: ۷۵۷/۲؛ سجستانی، بی‌تا: ۳۶۸/۱؛ سیوری، ۱۳۸۴: ۱۳۹/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۵۶۸/۵)؛ بارالها بر ابواوفی و خاندانش درود فرست. نیز آن حضرت به درخواست زنی که گفت: برای من و همسر دعا نما، فرمود: «صلی الله علیک و علی زوجک» (ابوداود، بی‌تا: ۸۸/۲؛ ابن کثیر، ۱۳۸۹: ۷۵/۳؛ قاضی مالکی، بی‌تا: ۷۱، ش ۷۷)؛ درود خدا بر تو و شوهرت باد. بنابراین، اگر درود فرستادن بر مؤمنان عادی روا باشد، به طریق اولی صلوات فرستادن بر اهل بیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مشروع خواهد بود و حتی عوف بن مالک گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار جنازه یکی از انصار چنین دعا فرمود: «اللهم صل علیہ و اغفر له و ارحمه و عافه و اعف عنه» (قزوینی، ۱۹۵۴: ۴۸۱/۱، ح ۱۵۰۰).

با اینکه روایات فوق در منابع فریقین بیان شده است، عجیب این است که برخی از متعصبان اهل سنت در عمل، تنها از صلوات فرستادن به اهل بیت علیهم السلام حتی در پی نام ایشان در کتابها خودداری می‌کردند که جز مخالفت با محبان اهل بیت علیهم السلام

توجه دیگری ندارد و حتی برخی چون زمخشری بدان تصریح کرده‌اند (نجفی، بی‌تا: ۲۶۲/۱۰؛ ابن‌جمهور احسانی، ۱۴۰۳: ۴۰/۲). عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای اموی در بخشنامه‌ای به یکی از فرماندهان سپاه نوشت: «إِنَّ النَّاسَ مِنَ الْقَصَاصِ قَدْ أَحْدَثُوا فِي الصَّلَاةِ عَلَى خَلْفَانِهِمْ وَأَمْرَاهِمَ عَدَلَ صَلَاتِهِمْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَيْكِنْ فِيهِ إِطْنَابٌ دَعَائِهِمْ وَصَلَاتِهِمْ ثُمَّ لِيَصْلُوا عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لِيَسْتَنْصِرُوا اللَّهَ وَ لَتَكُنْ مَسْأَلَتُهُمْ عَامَةً لِلْمُسْلِمِينَ» (قاضی مالکی، بی‌تا: ۷۰ و ۷۱).

در این بخشنامه، خلیفه اموی با استناد به آیه صلوات (احزاب/ ۵۶) و آیه «وَ اسْتَغْفِرْ لَذَنبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» (محمد/ ۱۹) از درود و دعای طولانی سخنرانان و داستان‌سرایان برای خلفا و امرا منع می‌کند، نه اصل درود فرستادن به مؤمنان و مسلمانان. **ج) اجماع مسلمین:** به اتفاق آراء، یکی از معانی صلوات درخواست رحمت و مغفرت از خداست که همه بر جواز آن برای عموم مؤمنان اجماع دارند و در اصول ثابت شد که مفاهیم و موضوعات مترادف و هم‌معنا در حکم برابرند.

**د) سیره مستمره مشرعه،** که در پی نام اولیای خدا برای آنان طلب رحمت می‌کردند و هیچ‌گاه این عمل پسندیده آنان مورد انکار بزرگان دین قرار نگرفته است و چه کسی سزاوارتر به درود و دعا از خاندان پیامبر ﷺ است که تمام عمرشان را وقف خدمت و ارشاد و هدایت امت کرده‌اند؟

**ه) بنای عقلا بر مشترک بودن امتیازات و مسئولیتهای مهم** جانشینان صاحب منصبان اجتماعی، که این باور در جهت تثبیت موقعیت و مقبولیت خلفا نقش تعیین‌کننده دارد و تردیدی نیست که امامت پیشوایان معصوم و افضل امت، امتداد خط نبوت است. همان‌گونه که فخر رازی تصریح کرده: حق جل و علا، اهل بیت را در پنج خصلت و امتیاز شریک و مساوی با پیامبر ﷺ قرار داده است:

۱- محبت و دوستی خدا که فرمود: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران/ ۳۱) و درباره خاندانش فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/ ۲۳)؛

۲- طهارت و پاکی که فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳)؛

۳- اختصاص آل محمد ﷺ به سلام و تحیت الهی در میان پیامبران که فرمود: «سلام علی آل إله یاسین» (صافات/ ۱۳۰)؛

۴- اختصاص صلوات در نماز و پایان تشهد بر پیامبر ﷺ و آل که پیامبر ﷺ فرمود: «الصلاة علیّ و علی اهل بیته تذهب النفاق». (کلینی، ۱۴۰۱: ۴۹۲/۲)؛ درود بر من و خاندانم نفاق و دورویی را از بین می‌برد؛

۵- حرمت صدقه واجب، که پیامبر ﷺ فرمود: «حرمت الصدقة علیّ و علی اهل بیته» (معین الواعظین، ۱۳۵۲: ۱۹۱۰؛ هیثمی، ۱۳۸۵: ۸۷)؛ صدقه بر من و خاندانم حرام شده است.

و) به نقل اهل سنت، خود پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا أُرِدْتُمْ الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَقُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ» (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۲: ۲۶۹/۱)؛ هرگاه خواستید بر من درود فرستید، بگویید: بارالها بر محمد و بر خاندانش درود فرست. امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «ووجدت فی بعض الكتب من صلی علی محمد نبیّه کتب الله له مائة حسنة و من قال: صلی الله علی محمد و اهل بیته کتب الله له ألف حسنة» (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۱۲)؛ من در برخی کتابها یافتم، هر کس بر محمد پیامبر خدا درود فرستد خداوند صد پاداش نیک برایش مقرر فرماید و هر کس که گوید درود خدا بر محمد و خاندانش باد، خداوند هزار حسنه در نامه عملش می‌نویسد.

## ۷. احکام فقهی صلوات در مذاهب پنج‌گانه

چنانکه گذشت حداقل وجوب یک بار صلوات فرستادن در عمر، بر شخص پیامبر ﷺ بر هر مکلف، مسئله اتفاقی و بلکه ضروری فقه اسلامی است و مشروعیت صلوات فرستادن بر آن حضرت هرگاه نام یا القاب خاص آن حضرت برده شود نیز امری اتفاقی بین مسلمانان است و نیز افزودن کلمه «آل» به تبعیت حضرت محمد ﷺ به اجماع امت اسلامی جایز است. گرچه در قلمرو شمول آل بر عموم مسلمانان یا وابستگان پیامبر ﷺ یا خویشان و بستگان آن حضرت و یا اهل بیت (خاندان نزدیک) و پنج تن آل عبا و یا امامان معصوم ﷺ اختلاف نظر وجود دارد (شافعی، ۱۴۰۰: ۱۷۱/۱-۱۷۳؛ مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۵۵-۱۶۳؛ قندوزی، ۱۳۸۵: ۵-۹). طبق تمامی آراء،

واژه آل شامل خمسۀ طیبه و حضرت فاطمه علیها السلام می گردد. در حدیث نبوی آمده است: «یا فاطمة من صلّی علیک غفر الله تعالی له و ألحقه بی حیث کنت من الجنّة» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۵/۴۳)؛ ای فاطمه هر کس بر تو درود و صلوات فرستد خداوند برتر او را می آمرزد و من در هر جای بهشت که باشم او را به من ملحق می سازد.

برخی از بزرگان با توجه به احادیث و روایات فراوانی که در منابع شیعه و اهل سنت در بیان کيفر کسانی که نام آن حضرت را بشنوند و بر آن حضرت صلوات نفرستند روایت شده، این وعید و تهدیدها را امارۀ و جوب دانسته اند؛ از جمله آنان طحاوی و زمخشری (قرطبی، بی تا: ۲۳۳/۱۴) از عامه و شیخ صدوق، فاضل مقداد، محقق کرکی و سید علی خان مدنی و... از خاصه قائل به وجوب صلوات به هنگام شنیدن یا بردن نام پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند (مستنبط، بی تا: ۵۶/۲)، و به آیه **﴿لَتَجْعَلُوا دَعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدَعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾** (نور/۶۳)؛ ای مؤمنان دعا و فراخوانی پیامبر صلی الله علیه و آله را همانند صدا زدن برخی، برخی دیگر قرار ندهید و حرمت او را نگهدارید.

مشهور فقیهان این گونه روایات را حمل بر استحباب مؤکد کرده اند و صلوات را یکی از بهترین عبادات دانسته اند.

بنابراین، همه فقیهان در اصل وجوب صلوات در نمازها اتفاق نظر دارند، ولی در وجوب و استحباب صلوات در تشهد نماز و خطبه های نماز جمعه و اذکار نماز میت اختلاف نظر وجود دارد که به شرح ذیل می باشد:

### ۸. حکم صلوات در تشهد

تشهد یکی از افعال و مقارنات نماز است که پس از سجده در رکعت دوم و پایان نماز پیش از سلام باید به جا آورده شود، در بین مذاهب اسلامی در میان اذکار نماز جز در ذکر تشهد، اختلاف مهمی وجود ندارد. امامیه و حنابله تشهد اول را واجب و بقیۀ مذاهب آن را سنت مؤکده می دانند و تشهد آخر را که همراه با سلام است، حنفیان و مالکیان مستحب و مذاهب سه گانه دیگر واجب می دانند.

در مورد چگونگی ذکر صلوات در تشهد نمازهای واجب یومیه و نماز آیات، مشهور فقیهان امامیه صلوات کامل یعنی همراه با آل را در هر دو تشهد واجب و

ترک عمدی آن را موجب بطلان نماز می دانند، حنبلیان و شافعیان نیز ترک صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله را در تشهد آخر مبطل نماز و در تشهد اول موجب اعاده می دانند، ولی حنفیان و مالکیان صلوات را در تشهد پایانی نماز، سنت مؤکد، و تارک آن را عاصی دانسته، اعاده نماز را در صورت ترک صلوات واجب نمی دانند، با این تفاوت که حنبلیان و امامیان ذکر صلوات را در پایان تشهد، و بقیه در آغاز پس از ذکر «التحیات لله» می آورند.

مشهور میان فقیهان عامه و خاصه آن است که صلوات در تشهد نماز بر خود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز واجب بوده و بر آن مداومت می فرمود، چنانکه دارقطنی در سنن خود بابتی را با عنوان «ذکر وجوب الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله» با ۸ روایت آورده است که وجود این نظریه، اولویت وجوب آن را بر دیگران اثبات می نماید (۱۳۸۶: ۳۵۴-۳۵۶). جالب این است که امام شافعی ترک صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل را در تشهد آخر به کلی موجب اعاده نماز می داند، گرچه در جای دیگر نماز، مصلّی صلوات فرستاده باشد (شافعی، ۱۴۰۰: ۷۱/۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۳۵/۱۴؛ جزیری، ۱۴۱۷: ۲۵۱/۱؛ طباطبایی، ۱۴۲۴: ۵۸۸/۱؛ امام خمینی، بی تا: ۱۸۰/۱؛ مغنیه، ۱۴۰۷: ۱۱۲ و ۱۱۳؛ اعرجی، ۱۳۹۳: ۵۱؛ جناتی، ۱۴۱۱: ۲۹/۱). همین فتوای شافعی در شعر معروفش آمده است:

یا أهل بیت رسول الله حبکم      فرض من الله فی القرآن أنزله  
کفاکم من عظیم الفخر أنکم      من لم یصلّ علیکم لا صلاة له

ای خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عشق ورزیدن به شما واجب است که خدا در قرآن نازل فرمود و در بزرگی و افتخار شما همین بس که هر کس بر شما درود نفرستد نمازش باطل است و یا کامل نیست (هیثمی، ۱۳۸۵: ۸۷). گرچه مخالفان این فتوا به تحقق امر صلوا با یک بار در عمر و شبه کلام آدمی بودن صلوات و اجماع فقیهان پیش از شافعی و عمل برخی خلفا استناد کرده اند، در مقابل مدافعان این عقیده به دلایل زیر استناد جسته اند:

۱- امر «صلوا» که در آیه **﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ...﴾** مقرون به «یصلون» و مصدر به جمله اسمیه شده، دال بر وجوب و استمرار صلوات به ویژه در نمازهاست و نیز روایات فراوان اشاره کننده به بدی عاقبت تارکان این عمل عبادی، مؤید همین



معناست؛ نظیر حدیث نبوی: «من قال صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ لَمْ يَصَلِّ عَلَى آلِهِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ رِيحُهَا تَوْجِدُ مِنْ مَسِيرِ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۰: ۳۱۰/۷)؛ هر کس بگوید درود بر محمد، و بر خاندانش درود نفرستد بوی بهشت را نمی‌یابد، در حالی که بوی بهشت از مسیر پانصد ساله به مشام می‌رسد.

۲- نهی از صلوات مبتوره: به نقل ابن حجر پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تَصَلُّوا عَلَيَّ الصَّلَاةَ الْبَتْرَاءَ»؛ بر من درود ناقص نفرستید. یاران گفتند: صلوات بتراء چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: شما می‌گویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ» و از ادامه خودداری می‌کنید. بل قولوا: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ» (هیثمی، ۱۳۸۵: ۸۷) و در روایت دیگر از پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود: «لَا تَصَلُّوا عَلَيَّ صَلَاةً مَبْتُورَةً بَلْ صَلُّوا إِلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ لَا تَقْطَعُوهُمْ، فَإِنَّ كُلَّ نَسَبٍ وَ سَبَبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنْقَطِعٌ إِلَّا نَسَبِي» (حر عاملی، بی‌تا: ۱۲۲۲/۴)؛ بر من صلوات ناتمام نفرستید، بلکه بر من همراه با خاندانم درود فرستید و از آنان مبرید؛ زیرا هر پیوند نسبی و سببی در قیامت قطع می‌شود مگر خویشاوندی با من.

امام صادق ع فرمود: پدرم امام باقر ع مردی را دید که به خانه کعبه آویزان شده و می‌گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ» پدرم به او فرمود: «یا عبدالله لا تبترها و لا تظلمنا حقاً»؛ ای بنده خدا صلوات را ناتمام مگذار و در حق ما ستم روا مدار. بگو: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۹۵/۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۲۱۸/۴).

حدیث ابومسعود انصاری از پیامبر ﷺ که فرمود: «مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يَصَلِّ فِيهَا عَلَيَّ وَ لَا عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ» (دارقطنی، ۱۳۸۶: ۳۵۵)؛ هر کس نماز گزارد، در آن بر من و خاندانم درود نفرستد، نمازش پذیرفته نمی‌شود.

جالب این است که سیوطی شافعی از دانشمندان قرن دهم، در الدر المنثور ذیل آیه صلوات، ۱۸ روایت را از منابع عامه روایت نموده که در همگی آنها آل محمد در ذکر صلوات تکرار شده است. فخر رازی در تفسیر کبیر خود می‌نویسد: «إِنَّ الدُّعَاءَ لِلْأَلِّ مَنْصِبٌ عَظِيمٌ وَ لِذَلِكَ جُعِلَ هَذَا الدُّعَاءُ خَاتِمَةَ التَّشَهُدِ فِي الصَّلَاةِ وَ قَوْلُهُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِرْحَمِ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ... هَذَا التَّعْظِيمُ لَمْ يَوْجَدْ فِي حَقِّ غَيْرِ الْأَلِّ، فَكُلُّ ذَلِكَ يَدُلُّ عَلَيَّ أَنَّ حَبَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجِبٌ» (بی‌تا: ۳۹۱/۷)؛ دعا برای خاندان پیامبر ﷺ مقام بزرگی است و به همین دلیل این دعا در پایان تشهد

نماز قرار داده شده و نیز پیامبر ﷺ فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِرْحَمِ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ...» این بزرگداشت در حق غیر آل پیامبر ﷺ یافت نمی‌شود و همه اینها دلالت می‌کند بر اینکه عشق به خاندان پیامبر ﷺ واجب است. وی به سمع قبول این بیت شافعی را در پاسخ شبهه رافضی شدن، نقل می‌نماید که سرود:

إِنْ كَانَ رِفْضًا حَبَّ آلِ مُحَمَّدٍ      فليشهدا الثقلان أني رافضي  
(فخر رازی، بی‌تا: ۱۶۶/۲۷)

### ۹. وجوب صلوات در خطبه‌های نماز جمعه

نماز جمعه از بهترین عبادات گروهی اسلام است که در نیمروز آدینه با شرایطی جایگزین نماز ظهر می‌شود. البته شرایط وجوب نماز جمعه در مذاهب گوناگون متفاوت است. مشهور امامیه، حضور امام معصوم و دست کم ۴ نفر از مردان بالغ، عاقل و مسلمان را در نماز جمعه، و حنفیان حضور سلطان مقتدر یا نائب او و حضور ۵ تا ۷ نفر از مردان راه، و مالکیان حضور ۱۲ نفر از مردان راه، و شافعیان و حنبلیان حضور ۴۰ نفر از مردان راه در نماز جمعه لازم می‌دانند و اکثر فقیهان امامیه در زمان غیبت امام زمان ع با حضور فقیه جامع شرایط به نیابت از آن حضرت، قائل به وجوب تخییری میان نماز ظهر و جمعه هستند.

به اتفاق مذاهب، نماز جمعه بر زنان، نابینایان، بیماران و پیران ناتوان واجب نیست و اقامه آن به صورت انفرادی هیچ‌گاه درست نمی‌باشد. چنانکه زراره از امام باقر ع روایت می‌کند که حضرت فرمود: «فرض الله على الناس من الجمعة إلى الجمعة خمساً و ثلاثين صلاة: منها صلاة واحدة فرضها الله تعالى في جماعة و وضعها عن تسعة: عن الصغير و الكبير و المجنون و المسافر و العبد و المريض و المرأة و الأعمى و من كان على فرسخين» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۱۹/۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۴۷۴)؛ خداوند از آدینه تا آدینه، ۳۵ نماز را بر مردم واجب فرمود. یکی از آن نمازها واجب است با جماعت خوانده شود که آن را از نه دسته برداشت: نابالغ، پیر ناتوان، دیوانه، مسافر، برده، بیمار سخت، کور، زنان و هر کس که بیش از دو فرسخ [حدود ۱۱

کیلومتر] از جای برگزاری نماز جمعه فاصله دارد.

این افراد از حضور در صف نمازگزاران معافند و در صورت شرکت از عدد نمازگزاران بیرونند و به حساب نمی‌آیند. اگرچه نماز جمعه آنان درست و مجزی است. این شرایط ویژه، بیانگر اهمیت و ارزش خطیر این فریضه در اسلام و جامعه اسلامی است. اساسی‌ترین بخش نماز عبادی سیاسی جمعه، دو خطبه آن است که به اتفاق مذاهب پیش از دو رکعت نماز جمعه باید خوانده شود و به فتوای امامیه باید خطبه‌ها دربردارنده حمد و ستایش خدا، درود بر پیامبر ﷺ و خاندان معصومش علیهم‌السلام، توصیه به تقوا و پند و اندرز به مردم و سوره‌ای کوچک از قرآن باشد.

بنابراین، یکی از اجزای چهارگانه خطبه‌های نماز جمعه صلوات بر محمد صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم و آل می‌باشد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۷/۱). جمهور عامه نیز قرائت خطبه‌های نماز جمعه را بر خطیب و امام جمعه واجب می‌دانند؛ حنفیان و مالکیان تحقق مسمای موعظه را که حکمت اصلی و جوب خطبه می‌دانند، کافی می‌دانند، ولی حنبلیان و شافعیان صلوات بر نبی را در هر دو خطبه واجب می‌دانند (سیوری، ۱۳۸۴: ۱۶۷/۱-۱۷۲؛ مغنیه، ۱۴۰۷: ۱۲۰-۱۲۲؛ جزیری، ۱۴۱۷: ۳۹۰/۱). احوط آن است که خطبه‌ها به عربی و به هنگام ظهر شرعی و در حال ایستادن خطیب ایراد شود و مستحب است که حاضران خطبه‌ها را استماع نمایند و خطیب افزون بر ذکر صلوات در خطبه‌ها مؤمنان را امر به صلوات فرستادن بر اهل بیت علیهم‌السلام نماید.

از مجموع روایات برمی‌آید که پیامبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم در نماز جمعه با تکیه بر عصا بر منبر ایستاده و به عربی دو خطبه میانه می‌خواند و بین آن دو می‌نشست و در آغاز به مستمعان سلام می‌داد و در میادین جنگ به کمان تکیه می‌نمود و نیز در خطبه نماز عیدین بر ناقه خطبه می‌خواند (قزوینی، ۱۹۵۴: ۳۵۱/۱، ۳۵۲، ۴۰۸ و ۴۰۹). چنانکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم فرمود: «أكثرُوا عَلَيَّ الصَّلَاةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّهَا تَعْرِضُ عَلَيَّ» (قاضی مالکی، بی‌تا: ۴۰؛ جناتی، ۱۴۱۱: ۳۰۱/۱-۳۰۳؛ جزیری، ۱۴۱۷: ۳۷۱/۱)؛ بر من در روز آدینه فراوان صلوات بفرستید، چون اعمال شما بر من عرضه می‌شود، که فراوان صلوات فرستادن بر پیامبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم در روز آدینه وسیله عرضه اعمال بر آن حضرت است.

### ۱۰. حکم صلوات در نماز میت

نماز خواندن بر جنازه زن و مرد مسلمان پس از تجهیز یعنی غسل و کفن و حنوط و پیش از دفن او، به اتفاق آرای مذاهب اسلامی واجب کفایی است. از نظر کیفیت انجام آن امامیه می‌گوید نماز میت در واقع نیایش است و طهارت و ستر عورت مستحب است و امام جماعت و یا مؤمنان باید تمامی اذکار را تکرار نمایند و در این نماز پنج تکبیر را به شماره نمازهای پنج‌گانه واجب می‌دانند، که نمازگزاران باید پس از تکبیر نخست، شهادتین و بعد از تکبیر دوم صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم و آل او، و در پی تکبیر سوم دعا برای مؤمنین و مؤمنات، و پس از تکبیر چهارم دعا و استغفار برای مرده، و اگر کودک شش ساله به بالا باشد، برای پدر و مادر او دعا بکند و با تکبیر پنجم، نماز میت را به پایان می‌برند؛ این نماز رکوع و سجود و تشهد و سلام ندارد (طباطبایی، ۱۴۲۴: ۹۶/۲؛ امام خمینی، بی‌تا: ۸۱/۱).

فقیهان مذاهب اربعه در نماز میت چهار تکبیر را واجب می‌دانند و پس از تکبیر چهارم با تسلیم یعنی گفتن «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» آن را به پایان می‌برند. مالکیان نماز را بر جنازه اگرچه بر روی دستان و در حال حرکت باشد و نیز هر دعا پس از تکبیر خوانده شود، مجزی دانسته و صلوات را در نماز میت واجب نمی‌دانند. حنبلیان و شافعیان پس از تکبیر نخست فاتحه می‌خوانند و بعد از تکبیر دوم صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم و خاندان حضرتش را واجب می‌شمارند. حنفیان پس از تکبیر نخست حمد و ستایش الهی، در تکبیر دوم صلوات بر حضرت محمد صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم در پی تکبیر سوم دعا برای میت و پس از تکبیر چهارم نماز میت را با سلام به پایان می‌برند و چون نماز میت را نماز می‌شمارند طهارت و سلام دادن را در آن شرط صحت می‌دانند.

### ۱۱. اهمیت و فضیلت صلوات

بی‌تردید پس از ادای واجبات شرعی و قرائت قرآن، برترین عبادات و افضل قربات به نزد آفریدگار منان، صلوات فرستادن بر خاتم و اشرف پیامبران است؛ زیرا درود فرستادن بر حضرت محمد صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وسلم از جمله فرائض قرآنی است که خداوند با نزول آیه

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» در پی آیات دیگر در آغاز سوره احزاب که بیانگر حفظ حرمت پیامبر اسلام بود با به کار بردن حرف «إِنَّ» و صیغه «يُصَلُّونَ» که دال بر تاکید و استمرار وجود می باشد، نخست اعلام فرمود که من و فرشتگانم پیوسته بر پیامبر ﷺ درود می فرستیم و سپس افزود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/ ۵۶)؛ هان ای گروه مؤمنان بر پیامبر ﷺ درود و سلام فرستید و تسلیم فرمائش باشید.

در مورد دعوت به توحید نیز فرمود: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران/ ۱۸) نخست خدا به یگانگی خویش شهادت می دهد و بعد گواهی فرشتگان و سپس گواهی دانشمندان عدالت پیشه را یاد آوری می نماید که هیچ معبودی جز او شایسته پرستش نیست که او مقتدر شکست ناپذیر و حکیم فرزانه است.

بنابراین، مفهوم آیه صلوات این است که مقام پیامبر اسلام ﷺ به قدری والا و بالاست که آفریدگار عالم هستی و همه فرشتگانی که تدبیر این جهان پهناور به فرمان حق بر عهده آنان است، بر آن حضرت درود می فرستند، اکنون که چنین است، شما مؤمنان نیز هماهنگ و همراه با کل هستی بر او درود فرستید و در برابر فرمان او تسلیم باشید که در مورد هیچ عمل عبادی دیگر در قرآن این گونه دستور صادر نشده است.

امیر مؤمنان ﷺ در پاسخ مرد یهودی فرمود: این مقام ارزشی حضرت محمد ﷺ برتری خاتم النبیین بر سایر انبیا از جمله حضرت آدم صلی الله علیه و آله را اثبات می نماید؛ زیرا فرشتگان تنها یک بار مأمور سجده بر آدم شدند [گرچه آن هم به اعتقاد اهل معنا سیرش آن بود که انوار مقدسه معصومان ﷺ در وجود آدم تجلی کرده بود]، در اینجا به بیان صریح قرآن، تمامی آفریدگان و خلائق اعم از جن و انس و فرشتگان پیوسته مأمور فرستادن صلوات بر ایشان، همراه با آفریدگار جهان می باشند که با این توضیح شائبه تفصیل آدم علیاً بر خاتم ﷺ به خودی خود از بین می رود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸/۹۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۰: ۱۹۳). به همین خاطر در احادیث فریقین سفارشهای فراوانی در زیاد صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ رسیده است که در اینجا به سه نمونه اشاره می شود:

۱- اُبی بن کعب انصاری می گوید در ثلث آخر شب به پیامبر ﷺ برخورد نمودم

و از آن حضرت پرسیدم چقدر از نماز شب را به دعا برای شما اختصاص دهم؟ یک سوم یا دو سوم یا همه اوقات را صرف صلوات بر شما کنم؟ حضرت در پاسخ او فرمود: «إِذَا يَغْفِرُ لَكَ ذَنْبَكَ كُلَّهُ» (قاضی مالکی، بی تا: ۲۲؛ ترمذی، ۱۴۰۰: ۷۴/۲ و ۷۵)؛ در این صورت [اگر تمام وقت را صلوات فرستی] خداوند تمامی گناهانت را می آمرزد.

۲- امام علی رضی الله عنه در خطبه معروف به وسیله فرمود: «و بالشهادتين تدخلون الجنة و بالصلاة تنالون الرحمة فأكثرُوا من الصلاة على نبيكم و آله، إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۷۳)؛ حضرت ضمن قرائت آیه صلوات فرمود: با گواهی به توحید و نبوت وارد بهشت می شوید و با درود فرستادن به رحمت الهی دست می یابید... پس فراوان بر پیامبر و خاندانش صلوات بفرستید.

۳- امام صادق رضی الله عنه فرمود: «إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَأَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ مِنْ صَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَى ذَلِكَ الْعَبْدِ لَصَلَاةٍ اللَّهُ عَلَيْهِ. فَلَا يَرِغَبُ عَنْ هَذِهِ إِلَّا جَاهِلٌ مَغْرُورٌ وَ قَدْ بَرَّئَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۹۲/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷/۹۴؛ شیخ صدوق، ۱۹۸۶: ۱۳۹)؛ هر گاه نام پیامبر ﷺ درود خدا بر او و خاندانش باد، برده شود پس فراوان بر او درود فرستید؛ زیرا هر کس به آن حضرت یک بار صلوات فرستد خداوند هزار درود در هزار صف از فرشتگان فرستد و هیچ آفریده ای باقی نمی ماند مگر اینکه بر چنین بنده ای به خاطر صلواتش بر پیامبر ﷺ درود فرستد. پس از این کار سر باز نزنند مگر نادان فریب خورده و هر آینه خدا و پیامبرش از چنین کسی بیزاری جسته اند.

## ۱۲. حکمتهای صلوات

در اینجا این پرسش مطرح می شود که چرا این همه سفارش بر مداومت بر ذکر صلوات شده است؟ و فلسفه درود بر حضرت محمد ﷺ و آتش چیست؟ چنانکه می دانیم هدف غایی عبادات، دستیابی به کمال مطلوب خدا و لایق آدمی است و هیچ یک از دستورهای عبادی بی حکمت و مصلحت نیست، اگرچه عقل ناقص ما از درک و شناسایی کامل آن ناتوان است. صلوات نیز از این قانون مستثنا نیست،

گرچه ذکر صلوات در ترفیع مقام قرب معنوی پیامبر اسلام ﷺ بی تأثیر نیست. چنانکه خود فرمود: «أكثرُوا من الصلواتِ علیّ یوم الجمعة فإنّه یوم یضعف فیهِ الأعمال و أسألوا الله لی الدرجه و الوسيلة» (معین الواعظین، ۱۳۵۲: ۹۰)؛ در روز جمعه بر من زیاد صلوات فرستید؛ زیرا روز جمعه روزی است که در آن اعمال چند برابر می‌شود، از خدا برایم رتبه و وسیله را درخواست نمایید که خود فرمود وسیله جایی است در بهشت موعود که جز پیامبر به آن دست نمی‌یابد و من امیدوارم به آن مقام برسیم. شهید ثانی در دیباجه شرح لمعه یادآوری فرمودند آن حضرت به آن مرتبه کمال رسیده و نیاز به زیاده بر آن ندارد، بلکه فواید این صلواتها عاید خود مؤمنان می‌گردد، آنجا که می‌نویسد: «و غایة السؤال بها عائذ إلى المصلی لأن الله تعالی قد أعطی نبیّه من المنزلة و الزلفی لدهیه ما لا یؤثر فیهِ صلاة مصلّ كما نطقت به الأخبار و صرح به العلماء الأخیار» (۱۳۸۶: ۲۳۴/۱). مهم‌ترین فواید صلوات که عاید درود فرستنده می‌شود یادآوری می‌گردد:

۱- توفیق عمل به وظیفه احترام امت به حضرت ختمی مرتبت؛

۲- بزرگداشت نام و یاد برگزیدگان خدا؛

۳- توجه به ضرورت پیروی از خط نبوت و ولایت که مداومت بر ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ و دودمان پاکش مسلمانان را به اصل تفکیک‌ناپذیر بودن نبوت و امامت در جهت هدایت واقعی امت رهنمون می‌شود. در تفسیر علی بن ابراهیم قمی آمده: «سَلِّمُوا لَهُ بِالْوَلَايَةِ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ» (۱۳۸۷: ۱۹۶/۲)؛ یعنی در امر ولایت و تمامی دستوراتی که پیامبر ﷺ آورد، تسلیم باشید؛

۴- ابراز محبت نسبت به خاندان پیامبر ﷺ که ثمره آن کسب محبوبیت در پیشگاه خدا و نشانه صفای باطن و دوستی واقعی است که محب عاشق، محبوب را بسیار یاد کند و تکرار صلوات و اظهار دوستی تلقین دائمی است که در مسیر آنان حرکت و از راه شیطان گریزان باشد.

بر طبق روایات، فراموشی صلوات به هنگام ذکر نام پیامبر ﷺ مایه گمراهی است (قاضی مالکی، بی‌تا: ۴۶-۴۹)؛

۵- جلب عنایت و لطف ویژه پروردگار، چنانچه امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«إِنَّمَا اتَّخَذَ اللهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِ اللهِ عَلَيْهِمْ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۳۳/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۴/۹۴، ح ۲۳)؛ خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را تنها به خاطر کثرت صلواتش بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش، خلیل و دوست صمیمی خود برگزید که درود خدا بر همه ایشان باد؛

۶- آمرزش گناهان، امام رضا علیه السلام فرمود: «من لم یقدر علی ما یکفر به ذنوبه فلیکثر من الصلاة علی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله فإنّها تهدم الذنوب هدماً» (شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۱۳۱)؛ هر کس توانایی انجام کارهایی را ندارد تا با آن گناهان خود را ببوشاند، پس بر محمد و خاندان او فراوان درود فرستد که صلوات آثار زیانبار گناهان را به کلی نابود می‌کند.

### ۱۳. آثار و برکات صلوات در روایات

در منابع روایی شیعه و اهل سنت احادیث فراوانی از خاندان وحی و رسالت در بیان آثار دنیوی و اخروی صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل آن حضرت روایت شده است که دست کم در مرز استفاضه است. این آثار و برکات که با استفاده از کتابهای فضل الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله تألیف امام اسماعیل بن اسحاق قاضی مالکی، جلاء الافهام فی الصلاة و السلام علی خیر الانام تألیف ابن قیم جوزیه، ثواب الاعمال شیخ صدوق، جمال الاسبوع سید ابن طاووس، بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۹۴ و شرح فضائل صلوات سیداحمد حسینی اردکانی، فهرست وار استخراج شده، یادآوری می‌گردد:

#### ۱۳-۱. آثار دنیوی صلوات

۱- امتثال امر الهی نسبت به دعا و صلوات؛ ۲- تخلق به اخلاق الهی و تشبه به فرشتگان؛ ۳- قرب معنوی به خدا؛ ۴- جلب رضای الهی؛ ۵- جلب خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله؛ ۶- استحقاق درود خدا و فرشتگان؛ ۷- استحقاق ثواب تسبیح و تکبیر و تهلیل؛ ۸- اجابت دعاها؛ ۹- روا شدن حاجتها؛ ۱۰- درمان بیماریها؛ ۱۱- رفع فقر و نداری؛ ۱۲- ادای قرض و وامها؛ ۱۳- باقی ماندن نام نیک؛ ۱۴- رفع فراموشی؛ ۱۵- ایمنی از تلخی جان دادن.

## ۱۳-۲. برکات اخروی صلوات

- ۱- آرمزش گناهان؛ ۲- تکفیر و سرپوش گذاشتن بر گناهان؛ ۳- استحقاق شفاعت حضرت محمد ﷺ؛ ۴- استحقاق تحفه بهشتی؛ ۵- نور و روشنایی در قبر؛ ۶- سنگینی میزان حسنات؛ ۷- چند برابر شدن ثواب اعمال نیک؛ ۸- رهایی از هراس رستاخیز؛ ۹- نوشیدن از چشمه سلسبیل؛ ۱۰- رفع عطش در قیامت؛ ۱۱- ایجاد صحیفه نور برای عبور از صراط؛ ۱۲- ثبات قدم در گذر از صراط؛ ۱۳- رهایی از آتش جهنم؛ ۱۴- راهیابی به سوی بهشت؛ ۱۵- همنشینی با پیامبر ﷺ.

## ۱۴. حسن ختام

در اینجا فرازی از کتاب گران سنگ منیه المرید فی آداب المفید و المستفید تألیف زین الدین علی عاملی (شهید ثانی) را به عنوان زینت بخش این مقال نقل می‌نمایم.

هرگاه کسی چیزی از دانشهای دینی را می‌نویسد، سزاوار است که با وضو و روبه قبله باشد و بدن، پوشاک، مرگب و کاغذ او نیز پاک باشد و نوشتن را با نگارش «بسم الله الرحمن الرحیم» و ستایش و سپاس خداوند و درود بر پیامبر ﷺ و آتش آغاز نماید و همچنین کتاب را با حمد و صلوات و سلام به پایان ببرد و هر جا که نام خدای برتر را بنویسد، در پی آن با نوشتن کلماتی مانند: تعالی، سبحانه، عزوجل، تقدس و نظیر آنها، خداوند را بزرگ شمارد و خود نیز این کلمات را بر زبان آورد و هرگاه که نام پیامبر ﷺ را نوشت بعد از آن بنویسد: «صلی الله علیه و علی آله و السلام» و همزمان نیز خود صلوات و سلام را بر زبان آورد. نویسنده، صلوات را مختصر نماید و از تکرار آن اگرچه در یک سطر چند بار باشد بدحال نشود، چنانکه برخی از محرومان از رحمت حق و خلفا فکاران با نوشتن کلمات رمز «صلعم» یا «صلم» یا «صم» یا «صله» به جای «صلی الله علیه و آله و سلم» این کار بافضیلت را ترک می‌کنند؛ زیرا تمامی اینها برخلاف روایات دینی و مکروه و ناپسند شرعی می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۵: ۳۴۶ و ۳۴۷). این بیان شهید سعید یادآور این بیت فرزدق، شاعر معروف عرب می‌باشد که سرود:

مقدم بعد ذکر الله ذکرهم فی کل فرض و مختوم به الکلم

## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، قم، نشر الهادی، ۱۳۸۲ ش.
۲. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللآلئ العزیزیه، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ق.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الفکر، ۱۳۸۹ ق.
۴. ابن منظور، محمد، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۵. اعرجی، سیدمحمدرضا، المقباس الجلی فی فضل الصلاة علی النبی ﷺ، تهران، اعلمی، ۱۳۹۳ ق.
۶. البانی، جعفر، شرف الذاکرین فی الصلاة علی محمد و آله الطاهرین، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۷. امام خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، نجف، مطبعة الآداب، بی تا.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار الجیل، بی تا.
۹. ترمذی، ابو عیسی محمد، سنن الترمذی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۰ ق.
۱۰. توضیح المسائل مراجع.
۱۱. تهبانوی، محمد، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
۱۲. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. جناتی، محمدابراهیم، الفقه المقارن، قم، مجمع الشهد صدر، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. حسینی اردکانی، احمد بن محمد، شرح و فضائل صلوات، تهران، میقات، ۱۳۶۵ ش.
۱۶. حسینی فیروزآبادی، سیدمرتضی، فضائل الخمسه من الصحاح السنه، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ ق.
۱۷. حسینی، ابوالقاء ایوب بن موسی، الکلیات، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۲ م.
۱۸. حمیری، جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. خزائی، محمد، احکام قرآن، تهران، جاویدان، ۱۳۶۱ ش.
۲۰. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان، وسیله الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم، قم، انصاریان، ۱۳۷۵ ش.
۲۱. دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدارقطنی، قاهره، دار المحاسن، ۱۳۸۶ ق.
۲۲. زمخشری، جارالله، الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۲۳. سبزواری، تاج‌الدین محمد، جامع الاخبار، نجف، الحیدریه، بی تا.
۲۴. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۲۵. سیوری، فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۴ ق.
۲۶. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، نشر محمدامین دحج، بی تا.
۲۷. شافعی، محمد بن ادیس، آیات الاحکام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۰ ق.
۲۸. شوکانی، نیل الاوطار، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳ م.
۲۹. شهید ثانی، زین‌الدین علی عاملی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه، تحقیق محمد کلاتر، نجف، جامعه النجف الدینی، ۱۳۸۶ ق.
۳۰. همو، منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۳۱. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی ابن بابویه، الامالی، قم، بعثت، ۱۴۱۷ ق.

٣٢. همو، التوحيد، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٣٨٩ ق.
٣٣. همو، الخصال، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٣ ق.
٣٤. همو، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، الشريف الرضي، ١٩٨٦ م.
٣٥. همو، علل الشرائع، نجف، حيدريه، ١٣٨٥ ق.
٣٦. همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، قم، مكتبة طوس، ١٩٨٥ م.
٣٧. همو، معاني الاخبار، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٣٧٩ ق.
٣٨. شيخ طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط في فقه الاماميه، تهران، المكتبة المرتضويه، ١٣٨٧ ق.
٣٩. طباطبائي، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤٢٤ ق.
٤٠. طبراني، المعجم الاوسط، بي جا، دار الحرمين، ١٤١٥ ق.
٤١. طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، بي جا، الشريف الرضي، ١٣٩٢ ق.
٤٢. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، قم، مكتبة المرعشي، ١٤٠٣ ق.
٤٣. الطرازي الحسني، مبشر، صلوا على النبي صلى الله عليه و آله و سلم، قاهره، بي نا، بي تا.
٤٤. فخر رازي، التفسير الكبير، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.
٤٥. قاضي مالكي، اسماعيل بن اسحاق، فضل الصلاة على النبي صلى الله عليه و آله، بيروت، مكتب الاسلامي، بي تا.
٤٦. قرطبي، محمد بن احمد، تفسير القرطبي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٥ ق.
٤٧. قزويني، محمد، سنن ابن ماجه، بيروت، دار الفكر، ١٩٥٤ م.
٤٨. قشيري، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ ق.
٤٩. قمي، شيخ عباس، سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه، ١٤١٦ ق.
٥٠. قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، مطبعة النجف، ١٣٨٧ ق.
٥١. قندوزي، سليمان بن ابراهيم، ينابيع الموده، قم، محمدي، ١٣٨٥ ق.
٥٢. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ ش.
٥٣. متقي هندي، علاء الدين، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، بيروت، مؤسسة الرساله، ١٤٠٥ ق.
٥٤. مجلسي، محمد باقر، الفوائد الطريفة في شرح الصحيفة الشريفه، قم، خيام، ١٤٠٧ ق.
٥٥. همو، بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ ق.
٥٦. مستنبت، سيد احمد، القطرة من بحار مناقب النبي و عترته، چاپ دوم، تهران، نينوا، بي تا.
٥٧. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، نگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٤٠٢ ق.
٥٨. معين الواعظين (معين)، عباس علي، فوائد الصلوات و عوائد التحيات، چاپ سنگي، معين الواعظين، ١٣٥٢ ق.
٥٩. مغنيه، محمد جواد، الفقه على المذاهب الخمسه، چاپ هفتم، بيروت، بي نا، ١٤٠٧ ق.
٦٠. نجفي، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.
٦١. نووي، محيي الدين، المجموع، بي جا، دار الفكر، بي تا.
٦٢. نهج البلاغه، تحقيق صبحي صالح، قم، دار الهجره، ١٤٠٧ ق.
٦٣. هيثمي، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، بي جا، مكتبة القاهره، ١٣٨٥ ق.

